



<http://doi.org/10.22133/ISIA.2022.321085.1008>

تبیین مفهوم حکمت ایرانی - اسلامی در فضاهای عمومی شهری

نمونه مورد مطالعه: بازار بزرگ تبریز

سینا غیورانه^{۱*}، حسین کلانتری خلیل‌آباد^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی طراحی شهری پردیس علوم تحقیقات، تهران، ایران

^۲ استاد جهاد دانشگاهی، گروه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	شهرسازی، مبحثی که بیانگر تأثیر متقابل انسان، فرهنگ، روش زیست و محیط زندگی بر یکدیگر است، در رسیدن به اهداف جامعه اسلامی برای هویت‌مندی و اعتلای فرهنگ و اخلاق مردم نقش بسزایی دارد. در همین راستا، دستیابی به الگویی ایرانی - اسلامی با توجه با آموزه‌های اسلامی و ایرانی از اهمیت فراوانی برخوردار است. آثار طراحی شهری در گوشه و کنار گستره وسیع ایران زمین بازگوکننده سال‌ها تفکر، تعقل، تبلور و تجلی آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی اسلامی ساکنان این سرزمین است. می‌توان ادعا کرد هر دسته از این آثار در گوشه و کنار این سرزمین بزرگ برای خود مکتبی منحصر به فرد است. هریک از این مکاتب قابلیت‌هایی برای بازآموزی دارد. روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و در بیان پیشینه تاریخی شهرهای ایرانی این رویکرد اتخاذ شده است. در این پژوهش، ابتدا با بررسی متون و منابع، مفاهیم شهر و عناصر آن تبیین شده و سپس چگونگی ساختار شهر در ایران پیش و پس از اسلام و روند تغییرات شهرها در دوره‌های گوناگون تحلیل شده است. بخش مهمی از پژوهش‌های انجام شده صرفاً در سطح توصیف عناصر کالبدی تشکیل‌دهنده شهرهای ایرانی - اسلامی متمرکز است. در نهایت، بازار تبریز بر اساس مفاهیم شهر ایرانی - اسلامی بررسی شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۰	
واژگان کلیدی: حکمت ایرانی - اسلامی فضاهای عمومی شهری طراحی شهری	

* نویسنده مسئول

رایانامه: s.gh1375@yahoo.com

نحوه استناددهی:

غیورانه، سینا و کلانتری خلیل‌آباد، حسین (۱۴۰۱). تبیین مفهوم حکمت ایرانی - اسلامی در فضاهای عمومی شهری؛ نمونه مورد مطالعه: بازار بزرگ تبریز. مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۱(۱)، ۱۶۳-۱۸۱.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

مقدمه

پدیده شهر، از دیرباز، انعکاس‌دهنده ایدئولوژی نظام‌های حاکم بوده است. در دوره‌های مختلف تاریخی، ساخت‌های متفاوتی از فضاهای شهری مشاهده می‌شود. مکان، به‌منزله عنصر ثابت و تابع، متغیرهای زمان، جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست را در خود متبلور کرده است. تفاوت در ریخت‌شناسی (مورفولوژی) و ساخت شهر در نظام‌های مختلف اجتماعی جهان، به‌خصوص ایران قبل و بعد از اسلام چشمگیر است. در ایران قبل و بعد از اسلام، فضاهای شهری خاصی شکل گرفته است. به‌نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در ساخت شهر در هر برهه‌ای جهان‌بینی یا چگونگی نگرش به جهان است. این عامل دربردارنده دین، مذهب، تفاوت‌های اجتماعی و مذهبی و... است و تأثیر آن‌ها را در شکل‌بخشیدن به شهرها نشان می‌دهد. در این مقاله، تأثیر حکمت ایرانی - اسلامی در ساخت شهر در ایران بررسی شده است. فضای شهری پدیده‌ای سازمان‌یافته است از اطلاعاتی که در صور گوناگون فرم، عملکرد و معنا تجلی می‌یابد.

در این پژوهش، ابتدا با بررسی متون و منابع، مفاهیم شهر و عناصر آن تبیین شده و سپس چگونگی ساختار شهر در ایران پیش و پس از اسلام و روند تغییرات شهرها در دوره‌های گوناگون تحلیل شده است. بخش مهمی از پژوهش‌های انجام‌شده صرفاً در سطح توصیف عناصر کالبدی تشکیل‌دهنده شهرهای ایرانی - اسلامی متمرکز است. در نهایت، بازار تبریز بر اساس مفاهیم شهر ایرانی - اسلامی بررسی شده است.

مبانی نظری

مفهوم شهر

شهر عموماً برای توصیف پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌کار رفته است (فیالکوف، ۱۳۸۳). مفهوم شهر را می‌توان محیطی برای تجلی هویت، ارزش‌های برآمده از اعتقادات، جهان‌بینی و فرهنگ ساکنان و پدیدآورندگان دانست. این مفهوم، در طی دوران‌ها و در سرزمین‌های مختلف با محیط‌های طبیعی و انسانی متفاوت و تحت تأثیر تحولات تاریخی ایدئولوژیکی، تغییرات بسیاری به خود دیده است. در این میان، هیچ مقوله‌ای به اندازه معماری و شهرسازی عام و فراگیر نیست، زیرا بستر گذران بخش عمده‌ای از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد، چنانچه شهر، به‌عنوان ظرف، ناسالم باشد، مردم آن نیز، به‌عنوان مظلوم، آلوده خواهند شد. به‌طوری‌که گسترش ارتباطات کشورهای اسلامی با اروپا و امریکا سبب رواج الگوها و خصایص جدیدی در شهرسازی و معماری شهرها شد که با ماهیت شهرهای قبل تفاوت چشمگیری داشت. در این زمان که تأثیر اعتقادات اسلامی به پررنگی دوره قبل از استعمار نبود، به‌نوعی پایان رونق حیات شهر اسلامی سنتی محسوب می‌شود (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹).

مفهوم شهر در ایران باستان

شهر در اوستا و زبان فارسی باستان به مفهوم شهر و ایالت و کشور و حکومت و پادشاهی به‌طور عام اطلاق شده است. با گذشت زمان، مفهوم شهر نسبت به دوره باستان معنای وسیع خود را از دست داده است. در معنای گسترده، شهر به معنای پادشاهی و شاهی‌کردن و فرمان‌راندن آمده است. (پوراحمد، ۱۳۹۳)

حیات شهر در ایران پیش از اسلام

بخش عظیمی از دستاوردهای تمدن سکونت در ایران از نظرها پنهان مانده است (شیعیه، ۱۳۸۴). اگرچه تاریخ سکونت در ایران به بیش از ده هزار سال می‌رسد (کیانی، ۱۳۶۵)، پیشینه‌های تمدن شهری آن معرفی نشده است. موقعیت ایران آن را از نظر ارتباطی و دسترسی به دریا، شرایط طبیعی، استقرار در فاصله حدودی سه قاره بزرگ (خاورمیانه) ممتاز می‌کند. آثار باقی‌مانده در ایران در سیر تحول سکونت بر حسب شرایط گوناگون طبیعی، اجتماعی، آیین و مذهب، دفاع و امنیت، بازرگانی، نوع حکومت و مانند آن‌ها تأثیر داشته است (شیعیه، ۱۳۸۴).

استخوان‌بندی شهرهای ایران پیش از اسلام

شهرهای پارسی ایران تا پیش از ظهور اسلام بر اساس هندسه‌ای مقدس و به شکل مربعی ساخته می‌شدند. قلعه شهرهای ایرانی به‌علت پیروی از آرمان‌های پارسی از طرح شطرنجی هشت‌درهشت بهره می‌گرفت که در جهات چهارگانه جغرافیایی دارای دو خیابان عمود بر هم شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بود که یک چهارسو را در تقاطع خود تشکیل می‌داد (حبیبی، ۱۳۵۹).

به‌منظور شناخت و تجزیه و تحلیل ساختار شهرهای ایران و ویژگی‌های آن لازم است ابتدا به مطالعه اصول حاکم بر بافت و استخوان‌بندی شهرهای ایرانی در دوره‌های گوناگون پردازیم.

دوره ماد

نظام اقتصادی ایران در دوره ماد بر دامداری و کوچ‌نشینی استوار بود. مردم شامل چهار گروه ارتشتاران (نظامیان)، دبیران، مغان و موبدان و بالاخره دامداران و کشاورزان و پیشه‌وران (در مراحل اولیه تکوین) بودند. فضای شهری ماد براساس سازمان اجتماعی آن از قصر حکومتی (محصور به دیوارهای سنگین) تأسیسات نظامی و اداری و انبارهای ذخیره (با دیوارهای محصور). محلات اشراف و نجبا و بالاخره محل سکونت عامه مردم تشکیل می‌شد. شهرهای دوره ماد دارای حصار، خندق و دیوار و متأثر از شهرهای عهد آشوریان بود (شیعه، ۱۳۸۴).

دوره هخامنشیان

پارس‌ها به دو طبقه تقسیم می‌شدند: طبقه اول به کشاورزی مشغول بودند و طبقه دوم شامل بیابانگردان و چوپانان بود. هخامنشیان جزو گروه اول (پازارگادها) بودند (شیعه، ۱۳۸۴). ساختار اجتماعی دوره هخامنشی شامل موبدان، دامداران و کشاورزان، پیشه‌وران و بردگان می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲). شهرها از نظر فضایی شامل اقامت هیئت حاکمه و محل ارتشتاران، دبیران، مغان و سایر طبقات مردم بود که به‌صورت چادرنشین در اطراف سکونتگاه هیئت حاکمه زندگی می‌کردند. شهرها دارای حصار و دروازه بود. شارسستان و ربض و کهن‌دژ، به‌علت وجود طبقات متمایز اجتماعی، وجود داشت (شیعه، ۱۳۸۴). هسته پیدایش بازارهای شهری در ایران از دوره هخامنشی آغاز شد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲).

دوره سلوکیان

نقش اقتصادی شهرها دامداری و کشاورزی و نظامی بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲). شهرهای عصر سلوکی به چهار علت یکی کردن چند دهکده در یک شهر، بالابردن منزلت یک دهکده مهاجرنشین یونانی، واگذاری حقوق و مزایای شهر یونانی وارد به یک شهر قدیمی مانند شوش و بالاخره بناکردن شهرهای تازه برپا می‌شد (شیعه، ۱۳۸۴).

دوره اشکانیان

شهرهای اشکانی شامل چهار قسمت اصلی بود: مرکز جغرافیایی شهر (کاخ و ساختمان‌های سلطنتی و محل استقرار سربازخانه‌ها، انبارها و خزاین پیرامون قسمت اول (کهن‌دژ)، محل سکونت صاحب‌منصبان، مأموران دولتی و روحانیون (شارستان)، و بالاخره قسمت آخرین و حاشیه‌ای که مردم عادی در آن به سر می‌برد (ربض) و توسط دیواری از بخش‌های دیگر جدا می‌شد (گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۲).

دوره ساسانیان

شار ساسانی چون شار پارسی در دولت هخامنشی، بر مبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله جهان‌بینی ساخته می‌شود. شهر معمولاً به حصار ختم می‌شود که چهار دروازه به چهار سوی عالم داشته باشد، که یادآور جهات اربعه و عناصر اربعه نیز هست (حبیبی، ۱۳۷۵).

قسمت‌های اصلی شهر در دوره ساسانیان شامل موارد زیر است:

دژ حکومتی: (این دژ در دوره اسلامی به کهن‌دژ یا فهندز معروف می‌شود) مجموعه‌ای است مرکب از کاخ‌ها، آتشگاه اصلی، دیوان‌ها، سربازخانه‌ها، ذخائر، خزائن و انبارهای آذوقه. این دژ در بالاترین نقطه شهر و مهم‌ترین نقطه سوق‌الجیشی ساخته و با دیوارهای سنگین محافظت می‌شد.

شار میانی: مجموعه‌ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز بود. این بخش عملاً به وسیله دیواری سنگین با چهار دروازه به چهار سوی عالم محصور شده بود و بخشی از بازار شهر را در خود داشت (حبیبی، ۱۳۷۵).

شار بیرون: مجموعه‌ای مرکب از محلات، خانه‌ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شار میانی بود (حبیبی، ۱۳۷۵). بازار: عنصر بازار در معنایی که اکنون از آن داریم کالبد می‌یابد. بازار به منزله ستون فقرات شهر از دل شارستان (شار میانی) شروع می‌شد و دامنه خود را به شار بیرونی (ربض) می‌گستراند و در مسیر خود محلات را شکل می‌داد. بازار قلب شهر بود و کالاها و مصنوعات گوناگون از همه جا به آن‌جا حمل می‌شد (حبیبی، ۱۳۷۵). در این دوره، راسته بازارها شکل کامل‌تری یافت و صنایع‌های گوناگون به وجود آمد (شیعه، ۱۳۸۴).

در حالت کلی، هسته اولیه شکل‌گیری شهرها کاخ‌های حکومتی، بازار و مراکز خرید و محل‌های تولید علم و دانش بوده است که با مرور زمان به ارسن‌های شهری که خود دارای فضاهای متعدد شهری بود تبدیل شد و در لایه‌های بیرونی‌تر، فضاهای مسکونی و در نهایت زمین‌های زراعی و باغات قرار می‌گرفت. ساختار شهرها در ایران تحت‌تأثیر ساختار سیاسی و روابط اجتماعی و کاملاً وابسته به دین دوره خود بوده است. شهر محل اصلی حاکمان و فعالیت‌های مرتبط با آن بود. با آمدن دین جدید (اسلام)، عملکرد بخش‌هایی از شهر مانند شارستان از اهمیتشان کم شد و عملکرد قسمت‌هایی مانند کهن‌دژ تغییر کرد و ربض از درجه اهمیت بالایی برخوردار شد. بناهای جدید با عملکردهای نو به شهر اضافه شد، مانند مسجد و فضاهای مذهبی اسلامی. چگونگی ارتباط آن‌ها با سایر بخش‌های شهر باعث شد که آمدن دین و فرهنگ جدید ساختار شهرهای ایرانی را تغییر دهد. البته توسعه شهرهای ایرانی بر پایه زیرساخت‌ها و استخوان‌بندی ظاهری شهرهای پیش از اسلام ادامه یافته است. اگرچه مراکز مذهبی فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی تأثیرات چشمگیری در ساختار زندگی شهری داشته‌اند، تأثیرات مراکز حکومتی و نظامی در ساختار شهر بیشتر بوده است. در دوران پیش از اسلام، بر اساس طبقات اجتماعی، شهر به دو بخش تقسیم می‌شد: بخش اول دژ حکومتی و شار میانی که مربوط به حکومت و وابستگان آن است و بخش دوم شار بیرونی و بازار که به رعایا و توده مردم عادی مربوط بود. دژ حکومتی به زیرمجموعه‌هایی شامل کاخ‌ها، آتشکده‌ها، دیوان‌ها، سربازخانه‌ها، خزائن، انبارها تقسیم می‌شد و این دژ در مهم‌ترین منطقه سوق‌الجیشی ساخته می‌شد. پس از ورود اسلام به ایران، جامعه طبقاتی گذشته متلاشی شد و در ساختار شهرها نمود یافت. همان‌گونه که بدان اشاره شد، شهر ایرانی - اسلامی دارای ویژگی‌های ساختاری و معماری است که پیش از اسلام شکل گرفته است. شکل‌گیری ساختار شهر ایرانی پس از اسلام ابتدا بر اساس مرکزیت عمومی شامل مسجد، مدرسه، ارگ و بازار بوده است و پس از آن کوی‌ها و محله‌ها و مراکز خدماتی است که در ارتباط با یکدیگر قرار دارند. تصمیمات فرمانروایان و حاکمان نیز در شکل‌گیری و ریخت‌شناسی شهری از عوامل اصلی به‌شمار می‌آمد. این تصمیمات در تمامی دوره‌ها با نهاد دین ارتباط مستقیم داشته است.

معنا و مفهوم شهر اسلامی

رواج عنوان شهر اسلامی و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان (به‌ویژه شهر اسلامی نامیده‌شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان‌نشین)، با این فرض که این شهرها از نظر کالبدی جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی است و از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز است، از قرن نوزدهم میلادی و توسط مستشرقان آغاز شد. از آن دوران به بعد، شهر اسلامی که به شهرهای ساخته‌شده به

دست مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد، به‌مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تبعات شهری سکونتگاه‌های مسلمانان، بر این اساس که با حریم فیزیکی یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند، در ادبیات غرب تثبیت شد (نقی‌زاده، ۱۳۹۰). انسان، بر اساس جهان‌بینی خود، همواره با محیط در هم‌کنشی بوده است و تأثیر و تأثری که می‌پذیرد اساس بسیاری از مطالعات را شکل داده است. تأثیر انسان در محیط بر پایه جهان‌بینی یا فلسفه زندگی شکل می‌گیرد؛ این تأثیر به‌گونه‌ای پابرجا است که عده‌ای معتقدند برای نمونه شهر اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و فقط با درک اصول و قوانین آن می‌توان با اکولوژی شهرهای اسلامی آشنا شد. از این رو احداث و شکل‌گیری شهر در تمدن انسانی همواره بیان‌کننده ایدئولوژی و جهان‌بینی حاکم بر آن جوامع بوده و بی‌علت نیست که در محیط‌های جغرافیایی متباین، شهرها را با نقش و اهمیت متفاوت و با رشد ناهماهنگ و ناهمسان می‌بینیم (فرید، ۱۳۷۵).

واژگان مرتبط با شهر که در آیات قرآن کریم آمده است عبارت‌اند از: واژه «قریه» و مشتقات آن، ۵۷ مرتبه؛ «المدینه» و «المدائن»، ۱۷ بار. ظاهراً به شهر مدینه گفته می‌شود چون مردم در آن اقامت دارند (فرشی، ۱۳۷۱). «بلد»، که به چهار صورت (بلد، بلده، بلدا و البلاد) در مجموع ۱۹ بار در قرآن آمده، مکانی است خط‌کشی‌شده، محدود و انس و الفت‌دهنده ساکنان، و اقامت و سکنی دادن آن‌ها در آنجا است (راغب اصفهانی و همکاران، ۱۴۱۲). واژه‌های «دار»، «دارکم» و «دارهم» در مجموع ۳۲ بار در قرآن کریم بیان شده است. به این اعتبار، به شهر دار گفته می‌شود که اطراف و دور تا دورش دیوار و حصار کشیده شده باشد. جمع این واژه به‌صورت «الدیار»، «دیارکم»، «دیارنا» و «دیارهم» در مجموع ۱۹ بار آمده است.

با تدبیر در معانی واژگان، مشخص می‌شود که در الگوی مبانی دینی اسلام واژه شهر از قوانین مدون شریعت گرفته شده است. زندگی به شیوه اسلامی، که مبتنی بر هدف تعالی انسان است، بدون تلاش در راستای به‌کار بستن دستورالعمل منطبق بر ارزش‌های دینی امکان‌پذیر نخواهد بود. در واقع، هم قرآن در آیه ۲۰۵ سوره بقره و هم سنت صریحاً بی‌نظمی در هریک از جنبه‌های زندگی را محکوم کرده است و استفاده از تمامی امکانات و اقدامات سازمان‌یافته در جهت دستیابی به ارزش‌های اسلامی را ضروری می‌داند. طراحی و مقررات شهرسازی «ساخت محیط»، که تأثیر بسزایی در تحقق و تقویت اصول اجتماعی اسلام دارد، یکی از این تلاش‌ها است. در این میان، اهداف و اصول خاصی نیز وجود دارد که توجه به آن‌ها در برنامه‌ریزی ساخت محیط اسلامی و روش‌های اجرا و تحقق آن حیاتی است (مرتضی، ۱۳۷۸). از آنجاکه قرآن کریم، به‌منزله قانون اساسی دین اسلام و بهترین نسخه شفاف‌بخش آلام روحی و جسمی انسان‌ها، دربرگیرنده تمامی نیازهای دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی انسان‌ها است، به مقوله شهر نیز توجه ویژه‌ای داشته است. در آیات بسیاری به این مسئله مهم پرداخته است، تا جایی که خداوند متعال دوبار به شهر قسم می‌خورد: «لا أقسم بهذا البلد و أنت حلُّ بهذا البلد» مراد از شهر در این آیات شهر مکه معظمه است. مکه به‌منزله الگوی شهر اسلامی است و ام‌القرای اسلام نامیده شده است.

از این منظر، شهر اسلامی در جایگاه بسیار بلندی قرار گرفته که در قاموس هیچ اندیشه و مکتبی با این عظمت از آن یاد نشده است. از طرف دیگر، اندیشمندان اسلامی همواره برای رسیدن به جامعه‌ای ابدن‌آل و شهر اسلامی که در آن به خواسته‌های مادی و معنوی برسند کوشیده‌اند. دستیابی به شهری که بستر رشد کمالات انسانی را فراهم کند نیازمند اندیشه‌هایی بوده است تا با شناخت ابعاد وجودی نیازهای واقعی انسان و شناسایی و باورکردن آن‌ها به تجلی آن در پیدایش تمدن‌های بشری بینجامد. نکته‌ای که شهرسازان نباید از آن عدول کنند، ترسیم اندیشه‌های هنر اسلامی در بهره‌گیری از جهان هستی برای تعالی انسان‌ها است. ترویج صحیح این اندیشه سبب تجلی و ظهور شهرهای برگرفته از تمدن اسلامی خواهد شد. شهر اسلامی در تعالیم اسلامی حائز مباحث گسترده و وسیعی بوده است. به‌نظر می‌رسد شهر اسلامی فقط شهری با مناره‌ها و گنبد‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع، و دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام نباشد، بلکه شهری است با انسان‌های موحد و با عقایدی که از آموزه‌های اسلامی نشئت گرفته است. شهر اسلامی شهری است که تقریباً بر اساس اصول و آموزه‌های قرآنی و نبوی ساخته شده است (Jamalinezhad et al., 2012). شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری

و مصالح و دانش و هنر و فرهنگ بومی (که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشند) تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۳)

شهر اسلامی مکانی است که در آن احکام اسلامی جاری باشد و بر اساس فرهنگ اسلامی ساخته شده باشد. در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به‌طور حتم تمامی شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این نظام هویت می‌یابد (ایازی، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، شهر اسلامی شهری است که بر اساس مبانی و آموزه‌های مطابقی یا تضمینی یا التزامی قرآن و روایات صحیح بنا شده باشد. حال آن‌که مراد از شهر مسلمانان شهری است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند (شکرانی، ۱۳۷۸). «اسلامی» ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمان خاص تجلی کالبدی خاص خویش را خواهد داشت. به عبارت دیگر، شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که با توجه به فناوری و مصالح در دسترس و در پرتو دانش و هنر روز و در فضای فرهنگ بومی (که در تعارض با اصول و ارزش‌های اسلامی نباشند) می‌تواند در هر زمان و مکانی تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد. برای مثال، اگر اصلی همچون «تعادل» را از اصول شهر (شهرسازی اسلامی بدانیم، چگونگی تجلی آن در اقالیم مختلف و با توجه به فرهنگ بومی، مصالح در دسترس، شرایط زمان، شرایط اقتصادی، و سایر عوامل محلی و محیطی دیگر متغیر خواهد بود. شهر اسلامی، شهری است که در آن احکام و قوانین الهی حاکم است، نه احکام و قوانین مجعول بشری؛ دین اسلام توصیه‌هایی در باب حقوق، معیشت، معاملات، جزا، روابط اجتماعی، اخلاقی و معماری دارد و شهر اسلامی که بر اساس این ارزش‌ها و توصیه‌ها شکل می‌گیرد، شهر مطلوب الهی است.

معنا و مفهوم شهر ایرانی - اسلامی

از آنجاکه شهر مجموعه‌ای زنده از کلیه اموری است که در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با زندگی ساکنان آن است، باید همه جوانب فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی، سیاسی، زمانی، مکانی و تاریخی شهر هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. از طرفی در شهر ایرانی - اسلامی این ویژگی‌ها باید در زمینه و بستر ایرانی و بر پایه تعالیم اسلامی و فرهنگی در جامعه اسلامی تبیین شود. شهر ایرانی - اسلامی متشکل بر مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شود و بر روابط انسان با محیط طبیعی و مصنوع و با سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشد. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج می‌شوند و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی هستند که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند. اجمالاً باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) است. (نقی‌زاده، ۱۳۷۹). محور قراردادن انسان در این چهار مورد بیان می‌شود: - ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با جهان هستی، ارتباط انسان با هم‌نوعان خود. همین ارتباطات چهارگانه انسان از سوی آیت‌الله جوادی آملی نیز تأکید شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰)

به نظر می‌رسد مسئله تاریخ در دسته‌بندی این دو اندیشمند در درون دو مورد آخر قرار گرفته است. تاریخ ساخته مشترک جهان هستی و هم‌نوعان انسان است. درخصوص شهر ایرانی - اسلامی می‌توان گفت که زمانی می‌توان صفت اسلامی را به شهر به‌عنوان یک شیء انسان‌ساخته اطلاق کرد که آن شیء بر اساس تعالیم اسلامی به‌وجود آمده و به‌گونه‌ای در خدمت انسان قرار گرفته باشد و در عین جواب‌گویی به نیازهای مادی او، وی را به سمت ارزش‌های اسلامی هدایت نماید. بیان ایرانی برای شهر نیز مصداق مکانی موضوع را نشان می‌دهد. از طرفی، اسلامی‌بودن برای شهر نشانگر این است که این مکان باید تجلیگاه و یادآور ارزش‌های اسلامی نیز باشد. در قرآن مبین برای شهر به صفات مناسب زیستی اشاره می‌شود که در حقیقت شهر اسلامی، در تطابق انسان با نیازهای او، با نوع جهان‌بینی او تطابق و هم‌سازی دارد. پس اسلام چگونه زیستن را می‌آموزد و طبیعی است که در این راه فضای زندگی نیز باید با روش زیستی که اسلام تعریف می‌نماید هماهنگ باشد. ایرانی‌بودن نیز سابقه و پیشینه غنی و پر‌محتوایی از تجربیات هوشمند ایرانیان را با خود به‌همراه داشته است.

اصول اجتماعی اسلام و شکل شهرهای مسلمانان

اصول اجتماعی اسلام بر شکل شهرهای مسلمانان تأثیر بسیار گذاشته است تا آنجا که برخی معتقدند وجوه متمایزکننده شهرهای مسلمانان با غیر آن عمدتاً در خصایص اجتماعی جامعه شهری ساکن در شهرهای اسلامی و غربی است. بررسی‌های انجام‌شده درباره وضعیت اجتماعی شهرهای اسلامی گویای تفاوت ماهوی شهر اسلامی و غربی در زمینه وضعیت اجتماع شهری است. در سایر موارد، از نظر وجود بازار و استحکامات نظامی تفاوتی خاص بین شهر اسلامی و شهر غربی وجود ندارد. (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹)

در این بخش سعی بر آن است که مهم‌ترین ویژگی‌های مکانی شهرهای مسلمانان که متأثر از اصول اجتماعی اسلام است بیان شود. محله در شهرسازی مسلمانان: یکی از اشکال نشان‌دهنده همبستگی در شهرهای مسلمانان، سکونت در محله است. تعصب محله‌ای در شهرهای اسلامی از پیوندهای قومی، مذهبی و خاستگاه روستایی ساکنان آن نشئت می‌گرفت. ریشه مذهبی و فقهی که در نتیجه گسترش تفکرات و تفاسیر گوناگون از دین و آموزه‌های آن حاصل شده است مبنایی قوی برای پیدایش محله‌های یکدست و منسجم از پیروان مذهب یا فرقه فقهی خاص در شهرها می‌شد (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹)

شکل‌گیری محله‌ها در شهرهای مسلمانان بر اساس رفتارهای سنتی، همبستگی اجتماعی و احساس تعلق به فضا و مشارکت مردمی بوده است. سرزندگی و شادابی فضاها، صرف قسمتی از وقت مردم در معابر برای برقراری ارتباطات و فرایند اجتماعی شدن کودکان با بازی در محله، وجود تعاون و همیاری در انجام فعالیت‌های مشترک، تأمین امنیت مالی و جانی اهالی، توجه به انسان و مقیاس انسانی در طراحی فضاها و مانوس بودن اهالی محله با هم و ثبات حضور اهالی، حس تعلق به محله را بین مردم القا می‌کرده است. پیامبر اسلام «خطاط» (محلات یا بخش‌ها) را به قبایلی با پیشینه‌های قومی متفاوت، با وجود همگن بودن، بدون توجه به دارایی یا تنگدستی ایشان می‌بخشیدند. این بدان معنا بود که پیامبر اکرم (ص) بیشتر به کلیت استقرار مسلمانان (امت) توجه داشتند تا تقسیمات اراضی. همچنین ایشان به اجرای هیچ قانونی در زمینه سازمان‌دهی فضای داخلی یا زیرساخت‌های محله‌ها اجبار نمی‌کردند. این مسئله قابل فهم بود که چنین سازمان‌دهی فضایی یا زیرساختی باید بر پایه ارزش‌های اسلامی و نیازهای ساکنان شکل گرفته باشد.

پیتر بریج در تجزیه و تحلیل‌های خود از شهر سنتی بغداد که در قرن ۸ میلادی توسط خلیفه عباسی طراحی شد می‌گوید: محله‌ها بر پایه طبقات اجتماعی تقسیم‌بندی نشدند؛ هر یک به منزله بدنه‌ای منسجم بود که فقیر و غنی کنار یکدیگر با سهیم بودن در مساجد، چشمه‌ها، حمام‌های عمومی و بازار زندگی می‌کردند (Michell, 2009).

مجموعه‌های همسایگی: بر اساس حدیث پیامبر اسلام که تا چهل خانه را همسایه شمرده بودند، عدد چهل نمایانگر محدوده تعداد واحدهای هر بلوک است که در بسیاری از شهرهای سنتی مسلمانان دیده می‌شود (مرتضی، ۱۳۸۷). همچنین قوانین زیادی مبنی بر حفظ حقوق همسایگان در ساخت‌وساز شهرهای مسلمانان دیده می‌شود که به تقویت روابط همسایگی منجر می‌شود.

وجود مسجد در مرکز محله: کانون نظری جامعه اسلامی مسجد و به خصوص مسجد جامع بود که در گذشته، نمایان‌ترین و بزرگ‌ترین بنای شهر به‌شمار می‌رفت و همه مسلمانان به آن دسترسی داشتند. مساجد، مدارس، حرم‌ها و گورستان‌ها مکان‌هایی به‌مراتب فراتر از آثار یا محوطه‌هایی بودند که مردم در برخی مناسبت‌ها با مقاصد اعم از ظاهری، عارفانه، عالمانه با عملی در آن‌ها گرد هم می‌آمدند؛ این‌ها محل‌هایی برای تشکل‌های سیاسی، اجتماعی و فکری بودند (گرابار، ۱۳۹۰).

نقره‌کار و همکاران (۱۳۹۶) اصول محله‌محوری در الگوی اسلامی آن با مرکزیت مسجد را تبیین کردند و تمایزهای آن با سایر الگوهای طرح‌شده در ادبیات عرب را نشان دادند. در این پژوهش، از بعد افزایش میزان تعاملات اجتماعی، تنوع حضور گروه‌های اجتماعی و مدت‌زمان حضور افراد، محله‌محوری با مرکزیت مسجد، به نسبت سایر الگوهای مشابه، موفق‌تر معرفی شده است.

فضاهای شهری متناسب با بستر فرهنگی: در شهرهای مسلمانان، فضاهای شهری کارکردهای متناسب با فرهنگ و آداب ساکنان داشته است. بن‌بست‌ها، بازارچه‌ها، میدان و میدانچه‌ها، هریک در سلسله‌مراتبی از مقیاس‌ها محل تعاملات اجتماعی مردم بوده است. عثمان (۱۳۷۵) بیان می‌دارد که معابر و گذرگاه‌های اختصاصی که درهای آن به روی غریبه‌ها بسته می‌شد یکی از علل سهولت برقراری ارتباط میان ساکنان یک کوچه به‌شمار می‌رفت. فضاهای هماهنگ با ارزش‌های هر جامعه و ویژگی‌های مختص به خود را دارد که در صورت ضعف این ویژگی‌ها، به تدریج فرهنگ جامعه دچار استحاله خواهد شد. برای مثال، در پی نابودی فضای امن محلات و انحلال سازمان فضایی محله ایرانی و از بین رفتن بن‌بست‌ها، میدانچه‌ها، بازارچه‌ها و جایگزینی آن‌ها با پارک‌های عمومی و معابری که قابلیت کنترل اجتماعی را ندارند، امنیت اجتماعی و شیوه تعاملات و برخوردهای اجتماعی دگرگون شده است و بسیاری از مردم از حضور در این‌گونه فضاها احتراز می‌کنند.

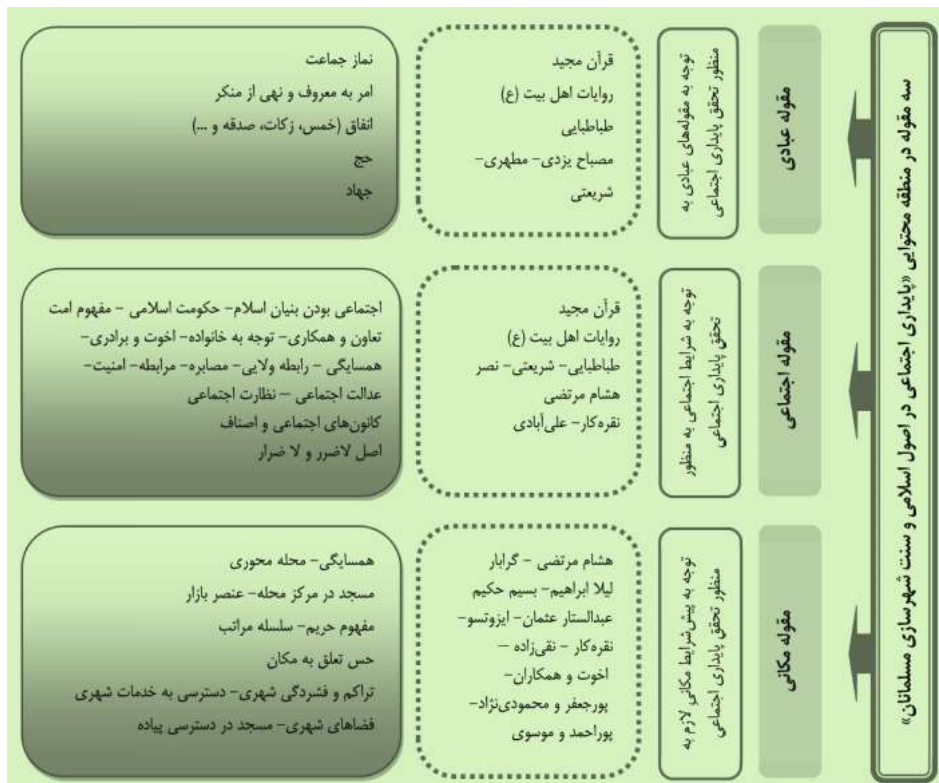
ساخت شهر در راستای قاعده «لاضرر»: به عقیده محمد عبدالستار عثمان، اولین و فراگیرترین قاعده مؤثر بر ساخت شهرهای مسلمانان، قاعده «لاضرر» است که از پیامبر اسلام نقل شده است. بر اساس این حکم، دود زیان‌آور، بوی نامطبوع و صدای ناهنجار، در صورتی که بیش از حد مجاز بود، سه نشانه به‌شمار می‌رفت که از طریق آن‌ها مردم متضرر می‌شدند. از این‌رو دورساختن تأسیسات و صنایع از مناطق مسکونی واجب شد. شکی نیست که اجرای این قاعده موجب فراهم‌شدن آرامش و رضایت خاطر برای زندگی اجتماعی درون‌شهری می‌شد (عثمان، ۱۳۷۵). در راستای تحقق این اصل اسلامی، محدودیت‌هایی برای شکل ظاهری بناهای شهرهای اسلامی وضع می‌شد که به‌موجب آن، شکل ظاهری بنا باید به‌گونه‌ای باشد که موجب آزاررسانیدن به دیگران نشود؛ بازار می‌بایست مزاحمتی برای محله‌های مسکونی ایجاد نکند.

همچنین هیچ صاحب حرفه‌ای اجازه نداشت محل کسب خود را در غیر از بازارهای متعلق به صنف خود دایر کند و از این طریق برای سایر اصحاب حرفه مزاحمت ایجاد کند. تمرکز این بازارها باید به نحوی می‌بود که نیازهای مردم را به‌آسانی برطرف کند، بدون آن‌که اخلاقی در رفت‌وآمد مردم در خیابان‌ها و معابر ایجاد کند (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹). قاعده «لاضرر ولا ضرار». یکی از اصولی است که بارها درباره موضوعات ساختمانی و شهرسازی در محیط سنتی مسلمانان استفاده شده است. در جامعه اسلامی، مادامی که آسیبی متوجه دیگران نشود، فرد می‌تواند به طراحی و سامان‌دهی یا تغییر ساخت محیط بپردازد (مرتضی، ۱۳۸۷).

بافت منسجم و به‌هم‌پیوسته: فرم شهری محیط ساخته مسلمانان عمدتاً برای دستیابی به اصول اسلامی در تعاملات اجتماعی و روابط قوی مردمی کمک می‌کرد. «الشیشتوی حسن» دلایلی در زمینه استقرار و رشد شهرهای سنتی اسلام بازگو می‌کند و معتقد است تحقق مفاهیم و برادری در قشری‌گویی اغلب شهرهای اسلامی تأثیر بسزایی داشته است. تعامل اجتماعی و وحدت، به‌عنوان اصول کلیدی چارچوب اجتماعی اسلام، به ایجاد تراکم شهری در مناطق مسکونی منجر می‌شد. این اصل در خانه‌های پیوسته و گروه‌های نزدیک‌به‌هم به‌خوبی نمایان است. «س، میانکا» معتقد است تراکم کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی فقط به‌منظور فشرده‌سازی فضایی نیست، بلکه ارتباط اجتماعی به‌هم‌پیوسته نیز در این اصل سهیم است (مرتضی، ۱۳۸۷). عثمان نیز معتقد است اثر این فشرده‌گویی خیلی آشکار بر زندگی شهر نیز منعکس شده است، زیرا موجب همبستگی اجتماعی میان افراد یک محله می‌شد و پیوستگی بناها به یکدیگر باعث سهولت و افزایش برقراری ارتباط میان افراد یک خانواده می‌شد (عثمان، ۱۳۷۵).

وجود بازار (در مجاورت مسجد): بازار یکی از عینی‌ترین نموده‌های معماری و شهرسازی سنتی ایران است که به‌منزله ستون فقرات و قلب تپنده شهر ایفای نقش می‌کرده است. بازار اصلی شهر معمولاً در امتداد مهم‌ترین راه‌های شهر شروع می‌شد و تا مرکز شهر امتداد می‌یافت. موقعیت و جایگاه شهری بازار و فضاها و مراکز مهم شهر در امتداد آن و همچنین نقش و منزلت بازاریان در زندگی شهری باعث می‌شد که بازار صرفاً در حد فضای اقتصادی باقی نماند، بلکه به فضایی برای بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی تبدیل شود. در شهرهای سنتی ایران، بازار نمود عینی پیدایش فضاها و جمع‌ی و بالتبع عنصری سرمایه‌ساز در ابعاد اجتماعی به حساب می‌آمده است.

مرتضى نیز معتقد است سنت احداث بازار در کنار مسجد موجبات ارتقای هویت اجتماعی و مردمی این مراکز را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، مراکز تجاری به ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی بین ساکنان و جامعه تبدیل می‌شد (مرتضى، ۱۳۸۷).



شکل ۱: مقوله‌بندی اصول اجتماعی اسلامی (دانشپور و روستا، ۱۳۹۲)

مؤلفه‌های اجتماعی در الگوی شهرسازی اسلامی - ایرانی

عدالت اجتماعی

ابتدا به طور مختصر به اهمیت عدالت اجتماعی در دین مبین اسلام پرداخته می‌شود. سپس دیدگاه فلاسفه و متفکران اسلامی پیرامون این موضوع مهم ارائه می‌گردد.

خداوند فقط در دو مقام، علاوه بر صیغه امر، دستور تشریحی خود را مستقیماً با به‌کاربردن ماده امر بیان کرده است: نخست امر به پرستش او؛ و دوم امر به عدالت و قسط. افزون‌براین، معمولاً امر به عدالت و قسط در کلام الهی مؤکد به تأکیداتی فراتر از دیگر موارد است. ازاین‌رو، بی‌جاست که در منطق قرآن کریم، پس از ایمان و اعتقاد و پرستش پروردگار متعال، عدالت اجتماعی را مهم‌ترین مسئله حیات بشری تلقی کنیم. از سوی دیگر، به‌علت تصریح خداوند بر این‌که او برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده و به قرینه ملازمه مکرر میان میزان و قسط در بیان الهی، عدالت اجتماعی نزد خداوند بیش از هر مقوله دیگری مبتنی بر اندازه‌گیری و محاسبه است و به ارزیابی کمی نزدیک است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰).

امام علی (ع) نیز عدالت را معیار، انصاف، جوهر زندگی، قوی‌ترین بنیان، بالاترین بی‌نیازی، بهترین داوری، اصلاح و رستگاری و استواری امور مردم و نظم‌دهندۀ فرمانروایی معرفی کرده است؛ تعریفی که ابعاد کیفی و کمی را توأمان شامل می‌شود. همین اطلاق و عموم او امر شدیداً

مؤکد الهی درباره عدالت اجتماعی کافی است تا ثابت کند که اعتقاد و التزام به اولویت و جوب عدالت اجتماعی بر سایر تکالیف اجتماعی یکی از دو رکن اصلی نظام تشریحی جامعه و حاکمیت اسلامی در تمامی ادوار و زمان‌ها است و بدون آن سخن گفتن از جامعه اسلامی بی معنا است. دیدگاه فلاسفه و متفکران اسلامی، عدالت اجتماعی عبارت است از «ایجاد شرایط یکسان برای همه و رفع موانع برای همه به منظور یکسان». به عبارت دیگر، ایجاد شرایط و رفع موانع برای همه به طور یکسان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، معرفتی و منزلت‌های اجتماعی همان عدل جمعی است. (Ansari et al., 2012)

در عدالت اجتماعی اسلام، تفاوت پذیرفته شده، اما تبعیض مردود است. برابری همه انسان‌ها صرف نظر از تعلقات قومی و نژادی و طبقاتی فرض گرفته شده است. همه از حق حیات، حق مالکیت، آزادی، حق بیان، حق انتقاد و حق انتخاب شیوه زندگی برخوردارند و نقض این حقوق ظلم است. اصل درخشان «عدم ولایت انسان بر انسان»، اصل الضرر، اصل انصاف، اصل لاجرح، که قواعد مادرند، شمول و عمومیت دارد و همگی در اصل عدالت ریشه دارند.

مشارکت مردمی

میزان مشارکت مردم در شهر نقش مهمی در تحقق طرح‌ها ایفا می‌کند. اسناد و مدارک تاریخی بسیاری از حضور و مشارکت فعالانه مردم در امور شهرها وجود دارد. ساخت تخت جمشید و بناهای تاریخی، جنبش مشروطه، ساخت مساجد و حسینیه‌ها، انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس نمونه‌های بارزی از مشارکت مردم در امور گوناگون است.

در اسلام بر مشورت و همفکری تأکید بسیاری شده و در آیات متعدد قرآن به مشارکت در موضوعات گوناگون اشاره شده است. برای نمونه، «وضعیت و سرنوشت جامعه به وضعیت مردمش و عملکرد آن‌ها بستگی دارد»، «هدف از ارسال پیامبران و کتاب آسمانی این است که مردم قسط به پا دارند و برای عدل به پا خیزند»، «مشاوره در امور جامعه اسلامی امری نهادی است» و «در نظام اسلامی اصل بر نفی تمرکز عنوان و اموال در دست یک فرد و گروهی خاص است.» (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰). همین‌طور در آیات ۶۴ و ۶۲ سوره نور مشارکت به گونه ذیل تبیین می‌شود:

- در هر کار یا فعالیت مهم، عموم مردم باید حضور یابند و تعاون و همکاری لازم است.
- عامل مشارکت و تعاون را باید در ایمان به خدا جست و عدم مشارکت بی‌ایمانی را نشان می‌دهد.
- دستور به مشارکت در امور ضروری و جمعی فقط ناظر به مبدأ و آغاز تصمیم نیست، بلکه این دستور ناظر به بقای آن هم هست.
- در تصمیم‌گیری، غیبت یک نفر هم آسیب‌رسان است و به هدف نهایی خدشه و لطمه می‌زند.
- خداوند امور مشارکت را از بسیاری امور دیگر مهم‌تر می‌داند و نیز مصالح جمعی بر مصالح فردی مقدم است.
- در صورت ترک امور مشارکتی آفت و آسیب وارد خواهد شد.

ایران از ابتدای بنای سیاسی خود حکومتی مجمع‌الاقوام داشته است. از این‌رو نخستین حکومت دارای مشارکت بین دولت و ملت در جهان بوده است. حکومت هخامنشی و پیش از آن، مادها مظهر چنین مشارکتی بودند. نقش و جایگاه مساجد و فضاهای مذهبی در شکل‌گیری نظام کالبدی و اجتماعی شهرها و محلات شهری تأثیر بسزایی داشته که امروزه دستخوش تغییر شده است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰).

امنیت

شهر باید مکانی امن باشد که مردم در آن احساس اطمینان خاطر و امنیت کنند. امان و مؤمن نیز از ریشه امن است و نشانگر تأثیر امان مردم بر گسترش امنیت در شهرها است. امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است که می‌توان آن را در زمینه‌های گوناگون بررسی کرد. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید «هر کس تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد سراسر جهان مال

اوست» و امنیت و سلامتی را دو نعمت معرفی می‌فرمایند که قدر آن‌ها نامعلوم است. امنیت از نیازهای اصلی فرد و جامعه برای احساس سلامت، راحتی، آسایش و سعادت است تا جایی که حضرت ابراهیم (ع) از درگاه الهی می‌خواهد که مکه را شهری امن قرار دهد. امنیت اخلاقی دغدغه‌ای است که همه جوامع و مکاتب به دنبال آن بوده و هستند. امنیت یعنی آرامش داشتن و احساس خطر نکردن که در ابعاد مختلف قابل بررسی است. امنیت اجتماعی شامل امنیت احترام و آبرو، امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت مسکن و شغل و امنیت اخلاقی است.

موضوع امنیت در شهرسازی اسلامی و به‌ویژه در شهرسازی ایران پس از اسلام از مؤلفه‌های مهم به‌شمار می‌آید و راهکارهای کالبدی و اجتماعی فراوانی برای تقویت امنیت در شهر و محله‌ها به‌کار گرفته می‌شده است؛ از جمله می‌توان به سلسله‌مراتب معابر شهری از راسته اصلی تا رسیدن به فضای هشتی که مختص چند خانوار بود اشاره کرد. در برخی مناطق، علاوه بر باروی پیرامون شهر، محلات هم دارای برج و دروازه مخصوص خود بوده‌اند، از جمله در شهر یزد.

در کنار راهکارهای کالبدی برای ارتقای امنیت، توجه به مؤلفه‌هایی همچون محرمت، غریب‌گز بودن محله و همبستگی و همدلی میان ساکنان محله، که برخاسته از ویژگی‌های مشترک در محله‌بندی شهرهای اسلامی است، مورد نظر بوده است.

تعاملات مردمی

اسلام به رفتارهای اجتماعی بسیار اهمیت می‌دهد و این مهم به‌وضوح در آیات و احادیث دیده می‌شود. اساس اجتماعی دین اسلام را می‌توان بر مهرورزی، محبت، کمک به مردم، احسان و رفتاری متناسب با کمالات اخلاقی دانست. امام علی (ع) می‌فرماید «با دیگر مردمان با انصاف رفتار کن و با مؤمنان با ایثار مؤمنان». امام صادق (ع) نیز می‌فرماید «مردم، بیشتر از آن‌که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خود زندگی می‌کنند و بیشتر از آن‌که با اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خود می‌میرند» (الآمدی، ۱۴۲۹ق، ج ۹۱۰۱، ص ۳۹۴).

تعاملات اجتماعی نیازمند آموزش بوده و بر اساس دستورات اسلامی قابل تدوین است، تعالیم اسلامی در گسترش تعاملات سازنده بسیار تأثیرگذار است، امام علی (ع) می‌فرماید: «شادی مؤمن در چهره او، قوت او در دانش و اندوه او در دلش است». و از طرفی رفتار صحیح اجتماعی جامعه‌ای سالمی را به همراه خواهد داشت (بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰).

هم‌محله‌ای

امام صادق (ع) حسن همجواری را دلیل آبادانی شهرها و زیادی عمر برمی‌شمارند (کافی، ج ۲، ص ۶۶۷). حضرت صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر چهل خانه همسایه باشند، از برابر و از پشت سر و از راست و چپ یعنی از چهار طرف تا چهل خانه همسایه‌اند.» این مفهوم در فرهنگ ایرانی محدوده محله را مشخص می‌کند (اصول کافی، جلد ۴، ص ۴۳۹).

همسایگی

همسایه در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است و پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید «جبرئیل در مورد حقوق همسایه چنان به من سفارش می‌کرد که من پنداشتم همسایه از همسایه ارث خواهد برد» (نهج الفصاحه، ج ۴۶۲). امام صادق (ع) درباره حقوق همسایگان می‌فرماید «مؤمن کسی است که همسایه‌اش از ستم و آزار او آسوده باشد» (اصول کافی، ج ۴، ص ۴۹۲). پیامبر (ص) درباره اهمیت و نقش همسایه‌ها می‌فرماید «مؤمن نیست کسی که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد»، و فرمود «اهل هر آبادی که شب را بگذرانند و در میان ایشان گرسنه‌ای باشد روز قیامت خداوند به آن‌ها نظر رحمت نیفکند». (همان). همسایه‌ها در اسلام رابطه نزدیک و تنگاتنگی با هم دارند و رسول خدا مسلمانان را به امانت‌دادن وسایل خود به هم‌مسلمانان سفارش فرمودند و عاریه‌ندادن آن‌ها را گناهی بزرگ برشمردند.

رفتار همسایگان با هم در احادیث بسیاری سفارش شده است و رسول خدا احترام به همسایه را مانند احترام به مادر لازم دانسته است؛ از سوی دیگر، رفتار نادرست با همسایگان هم به شدت نفی شده و عذاب الهی را به همراه دارد (نهج الفصاحه: ۱۱). در فرهنگ ایرانی هم همسایه دارای جایگاه باارزشی است که متأسفانه امروزه به خصوص در شهرهای بزرگ بی‌اهمیت شمرده می‌شود که این امر در شیوه معماری دوره‌های مختلف دیده می‌شود. همسایگی از دیدگاه قرآن و احادیثی که ذکر شد، بستر شکل‌گیری امنیت، آسایش و رفاه، احترام به حریم دیگران، بهداشت، عدالت اجتماعی و آبادانی است. در منابع اسلامی، «بردباری در مقابل آزار همسایگان» از نشانه‌های انسان باایمان و همسایه خوب و خوش‌رفتار معرفی شده است. در روایتی آمده است که رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: سه کس هستند که خداوند آنان را دوست می‌دارد. ... سوم مردی که همسایه‌اش او را آزار می‌دهد، ولی او اذیت وی را تحمل می‌کند تا مرگ یا سفر بین آنان جدایی افکند. رسول خدا (ص) همسایه خوب را راه رسیدن به سعادت و زیادت عمر برشمرده‌اند.

آرامش و آسایش

آسایش و آرامش در محل سکونت در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در احادیث بسیاری خانه بزرگ سعادت شمرده شده است و می‌توان مهم‌ترین علت را در آرامش و آسایش آن دانست. البته گفتنی است اعتدال در اسلام جایگاه والایی دارد و خانه بیش از حد بزرگ مورد نقد قرار گرفته است، به گونه‌ای که امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر ساختمانی که بیش از حد کفایت باشد در آخرت بر صاحبش وبال خواهد بود.» در دیدگاه امام علی (ع) نبود آسایش و رفاه سبب احساس کمبود دائمی برای مردم می‌شود (خصال،: ۲۸۴).

محرمیت

در لغت‌نامه دهخدا محرمیت، محرم‌بودن، محرمی، رازداری خوشی و در معنی محرم آمده است. «محرم» کسی است که اذن دخول در حرم و خانه شخصی را دارد. همچنین، به معنای خویشاوند، خویش، آشنای اهل سر و آن‌که در نزد وی بتوان راز را به ودیعه گذاشت، معتمد، ندیم، مقرب، خودی، رازدار آمده است. حریم یعنی پناهگاه خانه شخص و اطراف آن که از تعرض دیگران در پناه است. در فرهنگ فارسی معین هم واژه محرمیت به محرم‌بودن تعبیر شده است.

با توجه به معانی گفته‌شده می‌توان گفت که مراد از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبددادن به فضا به گونه‌ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم‌داشتن در حوزه کالبدی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهد داد و ابعاد اجتماعی را دربر می‌گیرد و آرامش را در فرد پدید می‌آورد. در سوره مبارکه نحل خداوند می‌فرماید «خداوند از خانه‌هایتان جایی را برای آرامش شما قرار داد». در این بخش بیشتر تأکید بر روی بخش معنایی و ثمرات اجتماعی این مؤلفه است. مؤلفه مذکور در شکل‌گیری عرصه‌های امن و آرام در جامعه اسلامی ایرانی مفید خواهد بود و کیفیاتی از جمله آرامش و آسایش را به همراه دارد. از سویی از ایجاد و گسترش فضا و نگاه گناه‌آلود جلوگیری می‌کند. ایران برخلاف بسیاری از کشورها به این امر بسیار اهمیت داده و قوانینی را برای این مهم وضع کرده است. رسول خدا (ص) مسلمانان را از نظرکردن در خانه و اشراف بر خانه همسایگان نهی کرده‌اند.

درون‌گرایی و اصل بازگشت به خویش

درون‌گرایی، نگرش به درون، نوعی سازمان‌دهی کالبدی در سرزمین‌های اسلامی است که عبارت از بسته‌بودن فضای خصوصی نسبت به فضای شهری و بازشدن آن به سوی فضای خصوصی است. درون‌گرایی با تعبیر کالبدی رایج آن، فضای بسته حول یک فضای باز مرکزی است که به واسطه آن موجودیت اصلی جامعه، امت و خانواده رشد و استحکام می‌یابد. درون‌گرایی و ویژگی معماری اسلامی است که عمدتاً با سازمان‌دهی حول حیاط مرکزی و عدم توجه به فضای درون بنا به محیط خارج تعریف می‌شود درون‌گرایی از ویژگی‌هایی است که اهمیت به باطن را در مقابل

توجه به ظاهر متجلی می‌سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است و آنچه اهمیت دارد این است که در زندگی فرد مسلمان تأکید بیشتر بر ابعاد درونی و معنوی است تا ابعاد بیرونی و مادی (معماریان، ۱۳۷۳، ص ۳۱۰).

موقعیت محدوده مطالعه‌شده

در این مبحث به مطالعه و بررسی تبریز و بازار آن در متون ادبی موجود و مشاهدات میدانی پرداخته می‌شود (جدول ۲). مجموعه بازار تبریز یکی از بازارهای بزرگ تاریخی - با ۲۷ هکتار مساحت و ۵۷۶۰ متر طول راسته‌ها - و از قدیمی‌ترین بازارهای زیبای خاورمیانه در دوره پس از ورود اسلام به ایران به‌شمار می‌آید. سبک معماری و آرایش مغازه‌ها، کثرت تیمچه‌ها، کاروان‌سراها، دالان‌ها و راسته‌ها، انواع مشاغل و حرفه‌ها و وجود تعداد بسیاری مدرسه و مسجد که در کنار سراهای بازرگانی قرار گرفته‌اند، این بازار تاریخی را به نمونه‌ای عالی و منحصر به فرد از یک مرکز مهم تجاری اسلامی و شرقی مبدل ساخته است.

جدول ۱: توصیفات سیاحان و جهانگردان از شهر تبریز با تأکید بر ویژگی‌های معماری و طراحی شهری (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳)

سیاح و جهانگرد	تاریخ سفر و دوره	کلیدواژه‌های مستخرج از شرح مشاهدات و توصیف‌ها از شهر تبریز
کلاویخو ^۱	دوره آق‌قویونلوها، سده نهم شمسی / پانزدهم میلادی	باروی شهر غیرمستحکم و غیرقابل تعمیر، درون شهر خانه‌ها و مسجدهای بسیاری برپا بود، خیابان‌های پهن و میدان‌هایی گسترده، به دور میدان‌ها ساختمان‌های بزرگی وجود داشت، تنوع کالاها در میدان
تاورنیه	دوره صفوی / شاه صفی	شهری آجری، دارای ساختمان‌های دوطبقه با بام‌های مسطح
جکسن	دوره قاجار	توصیف کالبد بازار (راسته‌ها، حجره‌ها و رونق خرید و فروش)
هاینریش بروگش ^۲	دوره قاجار	موقعیت اقتصادی تبریز به علت هم‌مرز بودن با روسیه و ترکیه، ارتباط تجاری با اروپا
اعتمادالسلطنه	دوره قاجار	توصیف کالبد بازار، تعداد چهل و پنج باب کاروان‌سرا و تیمچه، در گذرهای محله‌ها و در کنار دروازه‌ها نیز هزار و پانصد باب دکان، توصیف راسته‌های اصلی و فرعی بازار
شاردن ^۳	دوره صفوی	توصیف عظمت تبریز در ایران، بازاریهایش از سایر بلاد آبادتر و سقف‌های آن بلندتر است، تجارت با اروپا، جمعیت شهر ششصد هزار نفر
اولیا چلبی ^۴	دوره شاه‌عباس دوم	کاروان‌سراهای عالی و سرپوشیده، بارویی محصور و سیصد برج نگهبانی و شش دروازه، شش چشمه بزرگ از کوه سهند و نه رشته قنات بزرگ و هفت هزار حلقه چاه، شهر نظم هندسی نداشته و در شرق تبریز قلعه عظیم ویرانی به نام قلعه رشیدیه وجود داشته است
هوتن شیندلر ^۵	در ۱۳۲۳	برتری تبریز بر تهران، بازارهای زیباتر و بزرگ‌تر، مرکز بازرگانی ایران

^۱ Ruy González de Clavijo

^۲ Heinrich Karl Brugsch

^۳ Jean Chardin

^۴ Evliya Çelebi

^۵ General Sir Albert Houtum-Schindler

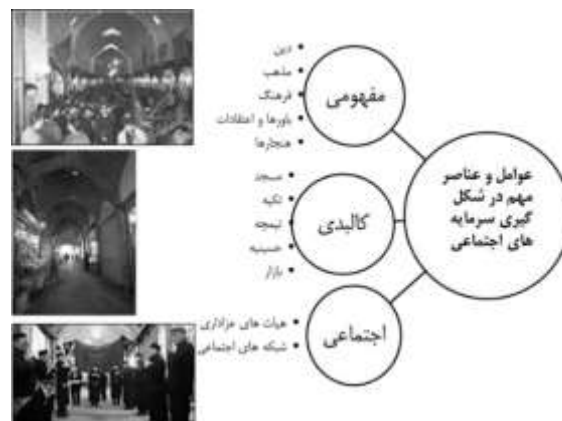
شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی بازار در مکتب طراحی شهری تبریز

عنصر بازار تنها وجه مشخصه یا ویژگی اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای شرقی اسلامی است. با مقایسه بازار و سایر فضاهای مشابه در دیگر کشورها می‌توان گفت که اساس شکل‌گیری میدان‌های شهرهای ایتالیا، فرانسه و... مبتنی بر مقابله با قصر حکومتی و در حال برای مشارکت در تصمیم‌گیری عمومی و به‌خاطر وزن اقتصادی اش بوده است، اما بازارهای ایرانی گویای گردهمایی همه عوامل تعیین‌کننده و مهم‌تر از همه وجود سرمایه اجتماعی است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳). بازار تبریز، از قرن‌های نخستین اسلامی، شهرتی خاص داشت و برای پاسخ‌گویی به فعالیت‌های تجاری، منطقه وسیعی از شهر را دربر می‌گرفت. بازار تبریز از قرن چهارم هـ. ق در منابع گوناگون آمده است. پس می‌توان گفت که از عمر بازارهای مسقف تبریز دست‌کم هزار سال می‌گذرد. از اظهارنظرها چنین برمی‌آید که بازار تبریز، ضمن داشتن فعالیت‌های مذهبی اجتماعی در فضاهای خود (تیمچه مظفری)، از ثبات و پایداری و رونق اقتصادی شایان توجهی در دوران متمادی برخوردار بوده است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳).

روابط میان عوامل اجتماعی، اقتصادی، دینی و مذهبی، و کالبدی

نکات قابل ذکر درباره مساجد در جایگاه بستری برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به شرح زیر است:

- برخی از مساجد مانند مسجد حسن پادشاه عملکرد حکومتی هم داشته‌اند.
- مسجد جامع ارتباط ویژه‌ای با مجموعه بازار برقرار می‌کرده است.
- عملکرد مساجد با مدارس علمیه و کتابخانه‌ها آمیخته است و پایگاهی برای برگزاری مراسم در اعیاد و عزاداری‌ها دارند.
- بازار از لحاظ امکانات فرهنگی و مذهبی با وجود مساجد متعدد خوددکفا است.
- پراکنش مسجدها در بازار تبریز اغلب در لبه‌های بیرونی بازار برای دسترسی محلات اطراف است.
- تعداد زیاد مساجد در بازار تبریز نشان از اهمیت ابعاد مذهبی و فرهنگی در هویت این مجموعه دارد.
- دوره احداث و نام‌گذاری اغلب مساجد، به‌کارگیری اشکال گوناگون پلان‌ها و طاق‌ها شبیه به موارد ذکرشده برای تیمچه‌ها است.



نمودار ۲: عناصر مهم سرمایه اجتماعی در بازار (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳)

جدول ۲: تقسیم‌بندی عناصر بازار بر اساس عملکردشان (رجبی، ۱۳۸۶)

ارتباطی	فرهنگی، اجتماعی، خدماتی، مذهبی		اقتصاد		عملکردها
	اجتماعی، خدماتی	مذهبی	انبار	تولید	
میدان و میدانچه گذر اصلی و فرعی در و دروازه	حمام	مسجد و مدرسه جامع	خان‌بار	کارگاه	دکان و حجره
	زورخانه	حسینیه	سرا یا کاروان‌سرا	قیصریه	تیمچه
	سقاخانه	تکیه	باراندازها	دالان	تیم
	چایخانه و قهوه‌خانه	مدارس و حوزه‌های علمیه	بارگیر		خان
	غذاخوری	امام‌زاده			راسته
	سلمانی				چارسوق



شکل ۳: عوامل مؤثر بر چگونگی استقرار فعالیت‌ها در بازار تبریز (مولائی، ۱۳۹۹، ص ۷۸)

شاخصه‌های کالبدی بازار در مکتب طراحی شهری تبریز؛ بررسی راسته بازارهای بازار تبریز

هسته مرکزی شهر تبریز در داخل یک چهارضلعی قرار گرفته و بازار تبریز در مرکز این چهارضلعی واقع شده است. این بازار از سمت شرق به عالی‌قاپو (مجموعه کاخ‌های ولیعهدنشین) و از سمت غرب به مسجد جامع محدود شده است و از سمت شمال، بخش‌هایی از شمال رودخانه مهران‌رود را دربر می‌گیرد و این دو بخش به وسیله پل‌های چوبی که در امتداد راسته بازار قرار دارند به هم متصل می‌شوند. نخستین نقشه از بازار تبریز در سال ۱۳۲۷ هجری در بخشی از نقشه دارالسلطنه تبریز و به دست اسدالله خان مراغه‌ای ترسیم شده است. نقشه این بازار در بخش شمال شرقی نقشه مذکور رسم شده است و بیشتر جاهای مهم آن نظیر تیمچه‌ها و کاروان‌سراها در این نقشه نام‌گذاری شده است (مولائی، ۱۳۹۹).

راسته‌های اصلی بازار تبریز که یکی از آن‌ها تا ارگ یا مسجد علیشاه ادامه می‌یافت، از مهم‌ترین راه‌های شهری به‌شمار می‌آمد. جکسن، از جمله سیاحانی که در دوره قاجار از تبریز دیدن کرده است، می‌گوید: بازار سقف دارد و هر قسمت آن به وسیله معبر باریک و درازی از قسمت دیگرش جدا می‌شود و در دو طرف آن دکان‌ها و شاه‌نشین‌ها ساخته‌اند... خریداران داخل دکان‌ها نمی‌شوند بلکه در حین عبور از معبر تنگ و باریک بازار با فروشندگان معامله می‌کنند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۶).

هاینریش بروگش نیز به موقعیت اقتصادی تبریز اشاره کرده و گفته است که تبریز به سبب نزدیکی به مرز روسیه و ترکیه اهمیت تجاری یافته است. وی اشاره نموده است که بازرگانان ایرانی نیز در زمینه تجارت خارجی به شکلی فعال کار می‌کنند. او به یک تجارت‌خانه سوئیسی به نام شرکت «هانهدت» که در تبریز به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداخت نیز اشاره کرده است. کالاهای فرانسوی و آلمانی و نیز کالاهای انگلیسی از طریق بازار بزرگ این شهر به سایر شهرهای کشور و همچنین به آسیای مرکزی ارسال می‌شد. اعتمادالسلطنه درباره بازار تبریز اظهار داشته است که سقف بسیاری از قسمت‌های بازار که تیرپوش بود به حکم نواب والا «شاهزاده موی‌الدوله» طاق‌پوش شد. وی تعداد کاروان‌سراها و تیمچه‌ها را چهل و پنج باب دانسته و گفته است که در بازار نزدیک به پنج هزار دکان قرار داشته و در گذرهای محله‌ها و در کنار دروازه‌ها نیز هزار و پانصد باب دکان وجود داشته است. در گذشته، علاوه بر بازار اصلی و دائمی شهر، در کنار برخی از دروازه‌ها نیز بازارچه‌هایی شکل گرفته بود. بازار تبریز یک شبکه ارتباطی متشکل از تعدادی راسته‌های موازی و متقاطع است که دو راسته اصلی آن عبارت از دو راسته شمالی - جنوبی است که به‌طور تقریبی و با اندکی اعوجاج و جابه‌جایی، با یکدیگر موازی‌اند. تعدادی راسته عمود بر این دو راسته نیز وجود دارد که مهم‌ترین آن، مسیر و امتداد بازار حرمخانه، بازار کفاشان و بازار مسچی است. دکان‌ها در کنار راسته‌های اصلی و فرعی قرار دارند و فضاهای واقع در پشت آن‌ها به کاروان‌سراها و تیمچه‌ها اختصاص یافته است. راسته بازار یکی از بزرگ‌ترین بازارچه‌های بازار تبریز است. تیمچه‌ها و سراهای متعددی در این بازار وجود دارد که محل عرضه بسیاری از اقلام موردنیاز مردم است و از این حیث به بازار ملی نیز شهرت دارد. «تیمچه حاج تقی»، «تیمچه حاج شیخ»، «تیمچه حاج صفرعلی»، «تیمچه حاج محمدقلی»، «تیمچه‌های دودری»، «دالان خان»، «سرای حاج محمدقلی»، «سرای درعباسی»، «سرای دودری»، «سرای شیخ کاظم»، «سرای کچه‌چیلی»، «سرای گرچیلر (جورچلر)»، «سرای میرزا مهدی»، «سرای میانه حاج سیدحسین»، «سرای میرزا جلیل» و «سرای نوی حاج سیدحسین» از مهم‌ترین تیمچه‌ها و سراهای راسته بازار محسوب می‌شوند. (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴). راسته‌های بازار تبریز مسیرهای تجاری تخصصی و چندمنظوره (اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، آیینی) است:

- حضور و رابطه فعال مردم و مراجعان (تردد، خریدوفروش، تماشا، مکث، عبادت، گفت‌وگو، آسایش از برف و بارش).
- تناسب و مقیاس انسانی حجره‌ها و راسته‌ها (تناسب ارتفاع به عرض: ۲ به ۱) نسبت به بازارهای دیگر که مقیاسی حکومتی دارند.
- تنوع در عرض و اندازه دهانه‌ها، بر اساس مالکیت‌ها، ضمن حفظ تعانس و هماهنگی کالبدی و وحدت.
- رابطه منطقی راسته‌ها با یکدیگر (تعانس عملکردی).
- ارتباط راسته‌ها با یکدیگر و نیز امکان دسترسی به فضای باز (سرا) و فضای گشاده (تیمچه) و فضای فرهنگی (مسجد).
- سرزندگی اجتماعی و اقتصادی در طول راسته‌ها، هویت منحصر به فرد هر راسته با عملکرد مربوطه (راسته پنبه‌چی‌لر، راسته کلاه‌دوزان، راسته طلافروشان، راسته آینه‌چیلر، راسته گونی‌چیلر، راسته مسگران، راسته شیشه‌گران و...) که هر یک با به‌کارگیری بوها، رنگ‌ها، صداها و تناسبات خاص هویتی ویژه را به‌وجود آورده‌اند.

جمع‌بندی

توسعه شهرهای ایران در گذشته در محدوده قواعد نسبتاً ثابت و منسجم واقع می‌شد و همین امر هویت شهری را به‌وجود می‌آورد. گفتنی است که شهرسازی سنتی ایرانی به چهار عامل زمان، مکان، فرهنگ و معنا بستگی داشت. این عوامل ثابت نبود و از منطقه‌ای به منطقه دیگر تغییر می‌کرد. از این رو می‌توان هویت شهری را در وحدت شکلی، هم‌آوایی شکل شهر با محیط طبیعی و بوم، پیوند واحدهای مسکونی و عناصر شهری، رعایت اصول و ملاحظات هنری و زیبایی‌شناسانه، و رعایت عرصه‌ها و سلسله‌مراتب نام برد. سازمان فضاهای شهری در تبریز، به‌خصوص بافت مرکزی، مانند بسیاری دیگر از فضاهای شهری سنتی (فضاهایی که حاصل طراحی سنتی شهری ایرانیان است) در دیگر شهرهای

ایران است. به جرأت می‌توان گفت مطالعه بافت مرکزی تبریز و استخراج شاخصه‌های آن بخشی از عوامل و عناصر هویت‌ساز و به زبانی دیگر ویژگی‌های مکتب طراحی شهری تبریز را به شرح زیر ارائه می‌کند:

- تبریز بر سرمایه اجتماعی، پایه اقتصادی (متکی بر عبور جاده ابریشم)، اقلیم سرد، ابعاد سیاسی (پایتختی تبریز در زمان ایلخانان و ولیعهدنشینی تبریز در دوره قاجاریه) متکی است.

- نقش سرمایه اجتماعی در ماندگاری، پایداری و بازسازی تبریز پس از زمین‌لرزه‌های متعدد به‌ویژه زمین‌لرزه ۱۹۳۰ هـ ق قابل ملاحظه است.

- عملکرد چند بعدی بافت مرکزی تبریز به ویژه بازار در مناسبت‌ها و ایام خاص از نکات قابل توجه بازار تبریز است. - ویژگی‌های طراحی خوشایند برای چشم از منظر بوم‌شناسی بصری (ویدئو اکولوژی) در زمینه ایجاد هماهنگی، وحدت، تقارن، توازن، ریتم، تجانس، تنوع و تضاد، بوم‌شناسی‌های بصری، صوتی - شنوایی و بویایی که با دیگر بازارهای ایران تا حدودی متفاوت است.

این مقاله چارچوبی مفهومی و راهبردی به‌منظور رویارویی با چالش‌های اجتماعی جهانی شدن در شهرها، با استفاده از اصول اجتماعی متناظر هر یک در اسلام، و نیز شاخص‌های متناظر اجتماع محلی ایرانی - اسلامی، به‌منظور کاربست در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، ارائه داده است. در پژوهش‌های آتی، بیان دقیق این راهبردها به کمک روش‌های کمی مطالعات موردی و میدانی قابل پیگیری خواهد بود

منابع

- اخوت، هانیه، الماسی فر، نینا و یمانیان، محمدرضا (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات هله، تهران.
- الآمدی، عبدالواحد (۱۴۲۹ق). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق السید مهدی الرجائی. قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
- ایازی، سید علی نقی (۱۳۸۷). تبیین اندیشه اسلامی شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون برون دینی. نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳). نهج الفصاحه. تصحیح و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی، اصفهان: خاتم الانبیاء.
- پوراحمد، احمد (۱۳۹۳). ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام. ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی. مشهد.
- پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹). ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۲)، ۱-۱۱.
- پورجعفر، محمدرضا، ارباب‌زادگان، علیرضا و پورجعفر، علی (۱۳۹۳). تجلی خرده‌فرهنگ‌های ایرانی اسلامی در طراحی فضاهای شهری. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). مجموعه آثار آیت‌الله جوادی آملی. لوح فشرده، قم: اسراء.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۵). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۵۹). سیر تحول شهرنشینی و شهرگرایی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- دانشپور، سید عبدالهادی و روستا، مریم (۱۳۹۲). چهارچوب مفهومی اجتماع پایدار در جهان بینی اسلامی و سنت شهرسازان مسلمان. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱(۱)، ۹-۲۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات غریب القرآن. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- رجبی، آریتا (۱۳۸۵). ریخت‌شناسی بازار. تهران: نشر آگاه.

- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۱). فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور، شهرستان همدان. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۲). روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. انتشارات آگاه.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۶). بازارهای ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ چهارم
- شکرانی، رضا (۱۳۷۸). مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی. نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۴). با شهر و منطقه در ایران. انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- عثمان، محمد عبدالستار (۱۳۷۵). مدینه اسلامی. علی چراغی (مترجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- فرید، یدالله (۱۳۷۵). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ هفتم.
- فیالک洛夫، یانکل (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی شهر. عبدالحسین نیک‌گهر (مترجم). انتشارات آگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). الکافی. به اهتمام محمدحسین درایتی، قم، مرکز بحوث دارالحدیث، قسم احیاء التراث، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵). نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران. تهران: هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما).
- گرابار، آلك (۱۳۹۰). شهر در جهان اسلام. مهرداد وحدتی دانشمند (مترجم). تهران: نشر بصیرت.
- گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری (۱۳۷۲). شهر در ایران از تمدن ماد تا انقلاب اسلامی، شماره ۲۶. دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). ب‌حار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرتضی، هشام (۱۳۷۸). اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام. ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی (مترجمان). انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی تهران.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۷۳). آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه‌شناسی درونگرا. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مولائی، اصغر (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی در بازارهای تاریخی ایران (مطالعه موردی بازار تاریخی تبریز). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، (۱۵)۷، ۶۱-۸۸.
- نقره‌کار، عبدالحمید و علی‌الحسابی، مهران (۱۳۹۶). تحقق‌پذیری معماری ایرانی - اسلامی با تأکید بر ایجاد هویت در شهرهای جدید. تهران: کتاب فکر نو.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹). صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۲۲، ۴-۴۰.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۳). بارزهای شهر و معماری اسلامی. نامه فرهنگستان علوم، ۲۶-۲۷، ۴۳-۷۴.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰). ریشه‌های هنر اسلامی در متون اسلامی. ماه هنر، ۱۵۵، ۱۲-۲۶.
- Ansari, M., Mahdavejad, M., & Abedi, M. (2012). The role of Historic and heritage Wealth in sustainable tourism development. *Asian Journal of Social Sciences and Humanities*, 1(3), 70-77.
- Jamalinezhad, M., Talakesh, S. M., & Khalifeh Soltani, S. H. (2012). Islamic Principles and Culture Applied to Improve Life Quality in Islamic Cities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 330-334.

Explaining the concept of Iranian-Islamic wisdom in urban public spaces

Case study: Tabriz Grand Bazaar

Abstract

Urbanization, a topic that expresses the mutual influence of man, culture, way of life and living environment on each other, plays a significant role in achieving the goals of the Islamic society for the identity and enhancement of the culture and ethics of the people. In this regard, achieving an Iranian-Islamic model according to Islamic and Iranian teachings is very important. The works of urban design in the corners and corners of the vast expanse of the land of Iran are a reflection of years of thinking, rationalization, crystallization and manifestation of Iranian Islamic customs and culture of the inhabitants of this land. It can be claimed that each group of these works in the corners of this great land is a unique school for itself. Each of these schools has capabilities for retraining. The method of conducting this research is descriptive-analytical, and this approach has been adopted in describing the historical background of Iranian cities. In this research, the concepts of the city and its elements are first explained by examining the texts and sources, and then the structure of the city in Iran before and after Islam and the process of changes in cities in different periods are analyzed. An important part of the conducted research is focused only on the level of describing the physical elements that make up Iranian-Islamic cities. Finally, the market of Tabriz has been examined based on the concepts of Iranian-Islamic city.

Keywords: Iranian-Islamic wisdom, Urban public spaces, Urban design